

پلنوم چهارم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران

پلنوم چهارم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران با شرکت ۱۵ تن از اعضای کمیته مرکزی با رای قطعی و ۵۹ تن از کادرهای حزبی با رای مشورتی از ۵ تا ۲۶ تیرماه ۱۳۳۶ در خارج از کشور تشکیل شد. پس از حدود ۹ سال این نخستین پلنوم کمیته مرکزی حزب بود که تشکیل می شد و مهم ترین وظیفه‌ای را که در برابر خود داشت کوشش برای خروج حزب از بحران و نگرشی انتقادی به رویدادها و مسائلی بود که حزب را به سوی بحران سوق داده بود. در اطلاعیه هیات اجراییه کمیته مرکزی درباره این پلنوم گفته شده است:

"بحسب تصویب پلنوم وسیع قرار بود هرگاه مابین آرای قطعی کمیته مرکزی و آرای مشورتی کادرها در مسئله‌ای عدم تطابق رخ دهد کمیته مرکزی در رای خود تجدیدنظر کند و بکوشد تا توافق لازم بین نظرکادرها و نظر کمیته مرکزی حاصل شود. باید گفت که پلنوم وسیع این امر را با توفیق کامل انجام داد و کلیه مصوبات پلنوم به اتفاق با اکثریت آراء کمیته مرکزی و کادرها اتخاذ شد و لذا دارای جنبه قطعی است.

اکنون که این پلنوم وظایف عمده خود را با موفقیت انجام داده است با اطمینان کامل می توان گفت که واقعه برجسته‌ای در تاریخ حزب ماست زیرا توانسته است با شهامت اصولی دست به تحلیل گذشته و تشخیص ماهیت اختلافات دستگاه رهبری بزند و کارآینده حزب را برپایه حفظ و تحکیم وحدت آن شالوده ریزی کند.

بدون تردید این واقعه در تاریخ رشد و تکامل حزب ما گام مهمی است به جلو. وظایف اساسی که پلنوم وسیع کمیته مرکزی در برابر خود قرار داده بود عبارت بود از:

تحلیل اشتباهات و نقائص گذشته رهبری حزب و تعیین ماهیت اختلافات دستگاه رهبری و نشان دادن طرق خروج از بحران کنونی حزب. در کلیه این موارد پلنوم وسیع یک رشته قطعنامه‌هایی صادر کرده است که در دسترس رفقای

حزبی قرار می‌گیرد.

در مورد تحلیل اشتباهات گذشته، پلنوم وسیع سیاست رهبری حزب را در امر ملی کردن صنایع نفت و نسبت به دولت دکترومصدق - عدم تحرک رهبری حزب را در قبال کودتای ۲۸ مرداد شاه - زاهدی - یک رشته تصمیمات حادثه - چوپایه رهبری حزب را پس از واقعه ۲۸ مرداد - مسئله کشف و تلاشی سازمان نظامی و نیز دوستی منتشر شده پس از کودتای ۲۸ مرداد (یعنی جزوه ۲۸ مرداد مصوبه اکثریت هیئت اجرائیه حزب در ایران و سرمقاله نشریه شماره ۴۴ تعلیماتی) را مورد بررسی قرارداد و با اصولیت و شهامت کامل حزبی خطاهای رهبری حزب را افشاء نمود.

اطلاعیه هیئت اجرائیه کمیته مرکزی تصریح می‌کرد:

"در مورد تعیین ماهیت اختلاف در دستگاه رهبری رفقای کادری که در پلنوم وسیع حضور داشتند نقش قضایی حزبی اصولی و عادلانه را ایفاء کردند بدین معنی که پس از اطلاع کامل و جامع از نظریات ۱۵ تن اعضاء کمیته مرکزی درباره ماهیت این اختلافات در کمیسیونی که در آن فقط کادرهای منتخب از طرف پلنوم شرکت داشتند قطعنامه لازم را تهیه کردند. این قطعنامه سند برجسته است زیرا به تفصیلات نارسائی که درباره ماهیت اختلافات در دستگاه رهبری حزب وجود داشت خاتمه داد و با تحلیل اصولی و صحیح از این اختلافات زمینه واقعی رفع آن و محمل حقیقی نیل به وحدت را فراهم آورد.

در قطعنامه مربوط به راه خروج از بحران پلنوم وسیع یک رشته توصیه‌هایی نمود و ارگان‌های رهبری آینده حزب را ایجاد کرد. موافق یکی از این توصیه‌های پلنوم کنگره سوم حزب باید حداکثر تا دو سال دیگر تشکیل شود و هر سال یکبار پلنوم وسیع کمیته مرکزی تشکیل گردد و هر چهار ماه یکبار پلنوم عادی کمیته مرکزی حزب تشکیل شود. پلنوم وسیع ۱۵ تن (یعنی ۵ تن از رفقای که در ایران فعالیت می‌کنند و ۱۰ تن از رفقای حاضر در پلنوم را) به عنوان اعضاء ناظر وارد در ترکیب پلنوم کمیته مرکزی ساخت.

در اطلاعیه گفته می‌شد:

"تصمیمات پلنوم وسیع ناشی از این تجربه اندوزی مهم است که مراعات اکید اصل رهبری جمعی - مراعات بی‌خدشه موازین و مقررات سازمانی - دموکراسی حزبی و کنترل از پایین همراه با انتقاد و انعقاد از خود اصولی و صریح و جسورانه تنها راه مطمئن جلوگیری از پیدایش اختلافات غیر اصولی و مضر و بروز محیط رکود و فساد در حزب، تنها راه مطمئن برای حفظ و تحکیم وحدت حزب است.

پلنوم وسیع، حفظ وحدت حزب را وجهه نظر خود قرارداد و آن را مهم‌ترین وظیفه رهبری و حزب دانست. هرگونه تلاش برای اخلال در وحدت حزب را محکوم شمرد. پلنوم وسیع متذکر شد که حفظ انضباط آگاهانه در حزب که شرط

اساسی وحدت آزاده و عمل حزب است منوط است به مراعات بی‌خداشه اصل مرکزیت دمکراتیک و رهبری جمعی - منوط است به صحت روش رهبری که آن نیز خود محصول اطلاع دقیق از خواست‌ها و مطالبات مردم و آموختن در نزد توده‌ها و تعقیب خط‌مشی توده‌ای در اسلوب رهبری است ."

گزارش کمیته مرکزی حزب به مثابه ضمیمه اسناد پلنوم

بنا به تصمیم هیات اجرائیه گزارش عمومی کمیته مرکزی حزب توده ایران به پلنوم چهارم که در کمیته مرکزی به اتفاق آراء تصویب شده است، به مثابه ضمیمه‌ای به اسناد و مدارک پلنوم وسیع افزوده شد. در توضیح این تصمیم گفته شده است که گزارش عمومی کمیته مرکزی حزب توده ایران حاوی یک سلسله مسائل درباره اوضاع جهان و ایران و سیر حزب مابین پلنوم سوم و چهارم و مسئله وحدت سازمانی طبقه کارگر ایران است که در قطعنامه‌ها منعکس نیست.

گزارش عمومی کمیته مرکزی حزب توده ایران به پلنوم وسیع کمیته مرکزی

رفقای ارجمند، گزارشی که از جانب کمیته مرکزی حزب توده ایران به سمع شما می‌رسد طولانی نخواهد بود. علت آن است که ما وظیفه اساسی این پلنوم را نجات حزب از بحران می‌شماریم و ترجیح می‌دهیم که پلنوم به ویژه توجه اساسی خود را به تحلیل از گذشته و روشن کردن راه آینده معطوف کند و از آنجا که در این زمینه طرح‌های کمیته مرکزی در اختیار رفقا گذارده شده و در اطراف تصویب این طرح‌ها صحبت خواهد شد، تکرار آن مسائل را در یک گزارش عمومی زائد شمردیم. صرفه‌جویی در وقت را نیز به مثابه دلیلی باید افزود زیرا برنامه پلنوم وسیع ما سنگین است و ما باید بتوانیم در عرض ۱۳ روز این برنامه را کامیابانه به پایان رسانیم.

سخنی چند درباره اوضاع جهان

خصوصیت عصر ما خروج سوسیالیسم از چهارچوب یک کشور تنها و تبدیل آن به یک سیستم اقتصاد جهانی است. سوسیالیسم طی یک سوم قرن رجحان خود را به سیستم اقتصاد سرمایه‌داری ثابت نموده و به یک سیستم اقتصاد جهانی تبدیل گردیده است. علاوه بر کشورهای اردوگاه سوسیالیسم اکنون منطقه پهناوری از کشورهای صلح طلب پدید آمده و تعداد کثیری از کشورها در راه دفاع از صلح و همزیستی‌گام‌برمی‌دارند. با پیروزی انقلاب اکتبر عصر انقلاب کشورهای مستعمره و وابسته آغاز شد. انقلاب در این کشورها به جرئی از انقلاب

برولتاریائی جهانی تبدیل گردید. پس از جنگ دوم جهانی جنس تجار بخش ملی در کشورهای مستعمره و وابسته وارد مرحله جدیدی شده عده‌ای از کشورهای اروپا و آسیا آزاد شدند. پیروزی انقلاب در کشور پهناور چین نمونه درخشانی برای کلیه کشورهای مستعمره و وابسته بود. جنبش‌های رهایی بخش ملی در کشورهای مستعمره و وابسته بیش از پیش اوج گرفت.

ملی شدن شرکت کانال سوئز یعنی ترعه‌ای که یکی از پایگاه‌های عمده سلطه امپریالیست‌ها بود موقعیت امپریالیسم به ویژه موقعیت امپریالیست‌های انگلیس و آمریکا و فرانسه را در خاورمیانه و نزدیک بیش از پیش متزلزل ساخت.

بلوک جنگی آتلانتیک شمالی - پایگاه‌های جنگی که امپریالیست‌ها و در درجه اول امپریالیسم آمریکا در حول اتحاد جماهیر شوروی و ممالک دمکراسی توده‌ای ایجاد نموده‌اند بودجه، هنگفتی که کنگره آمریکا برای تدارک جنگ و همچنین اقدامات خرابکارانه و حمایت از خائنین و گروه‌های ضدانقلابی تصویب کرده است - رد پیشنهادهای اتحاد جماهیر شوروی درباره خلع سلاح و به منظور تخفیف و خاتم بین‌المللی از طرف امپریالیست‌ها نمودارهای فصیح سیاست جنگ‌طلبانه امپریالیست‌ها و در درجه اول امپریالیسم آمریکا علیه اردوگاه صلح و دمکراسی و سوسیالیسم است.

جنبش ضدانقلابی در مجارستان که هدفش برانداختن حکومت توده‌ای مجارستان و مسلط کردن مجدد مالکین و سرمایه‌داران و استفرار دیکتاتوری فاشیستی بوده است اقدامی بود که در دنباله تصمیمات شورای آتلانتیک شمالی صورت گرفته است.

اشتیاهات رهبران سابق مجارستان در زمینه مسائل اقتصادی و در انحراف از اصل دمکراسی سوسیالیستی در حزب و دولت - نقض قانونیت سوسیالیستی از طرفی و فعالیت محرب منحرفین در داخل حزب از طرف دیگر به ضدانقلاب زمینه مساعدی داد تا بتواند در زیر شعار اصلاح اشتیاهات گذشته فشرهای مردم را به ویژه در شهرها به جانب خود جلب کند. اگر اتحاد شوروی طبق تقاضای دولت انقلابی کارگری و دهقانی مجارستان برای سرکوب ضدانقلاب به کمک وی نمی‌شناخت نظام خلقی این کشور سرنگون شده و پایگاه توبین تجاوزکارانه‌ای در مرکز اروپا پدید می‌آمد. به همین سبب ما این اقدام اتحاد شوروی را اقدامی ضروری و به نفع زحمتکشان مجارستان و به سود صلح و دمکراسی و سوسیالیسم می‌دانیم.

امپریالیسم برای این که موقعیت خود را در کشورهای مستعمره و وابسته حفظ نماید علاوه بر بلوک تهاجمی آتلانتیک شمالی به بهانه خطر موهوم کمونیسم دست به ایجاد بلوک‌های نظامی جنوب شرقی آسیا و تعداد زده است و انواع قرارداد-های نظامی یک طرفه را به کشورهای تحت نفوذ خود تحصیل کرده است.

امپریالیسم آمریکا به مثابه زاندارم ارتجاع بین‌المللی در کلیه قراردادهای تهاجمی از آنلانیتیک شمالی تا جنوب شرقی آسیا نقش رهبری کننده را ایفا می‌نماید و همانا اجراء این نقش شوم است که بیش از پیش خشم و نفرت همگانی را علیه امپریالیسم آمریکا برمی‌انگیزد و حوادث اخیر تایوان (فرمز) نمودار روشنی از چنین خشم و نفرت همگانی است.

امپریالیست‌ها با تحمیل پیمان بغداد می‌کوشند بین کشورهای خاورمیانه و خاور نزدیک تفرقه اندازند و با تحمیل پیمان جنوب شرقی آسیا بین ممالک جنوب خاوری آسیا تخم نفاق می‌افشانند.

بر اثر شکست امپریالیست‌های انگلیس و فرانسه در مصر در تناسب قوا در خاور میانه و خاور نزدیک تغییر عمده‌ای روی داد. گروه انگلیس و فرانسه بیش از پیش از صحنه خاورمیانه و خاور نزدیک دور می‌شوند. آئین آیزنهاور تطبیق سیاست خارجی استعمارطلبانه آمریکا با شرایط جدیدی است که پس از شکست انگلیس و فرانسه و اسرائیل در خاورمیانه پیش آمده است.

هدف عمده آئین آیزنهاور اشغال نظامی خاورمیانه و خاور نزدیک و بسط نفوذ خود در این ناحیه است. چرا آمریکا این همه به خاورمیانه و خاور نزدیک اهمیت می‌گذارد؟ زیرا خاورمیانه و خاور نزدیک علاوه بر موقعیت سوق الحیثی دوسوم منابع نفتی جهان سرمایه‌داری را دربردارد. هدف دیگر آئین آیزنهاور گرفتن جای انگلیس و فرانسه در خاورمیانه و خاور نزدیک است.

امپریالیسم آمریکا تمام اقدامات خود را در زیر پرده مبارزه با خطر موهوم کمونیسم پوشیده می‌دارد و حال آن که تجربه مصریه تمام شرق عملاً ثابت نموده است که کشورهای اردوگاه صلح و دمکراسی و سوسیالیسم یا استواری تمام از آزادی و استقلال ملل مزبور مدافعه می‌کنند. حوادث اخیر در عراق واردن نشان داد که امپریالیست‌ها برای استقرار تسلط خود دست به چه توطئه‌های خونی علیه خلق و آزادی و استقلال او می‌زنند.

دوران بین دو پلنوم کمیته مرکزی حزب ما دوران رشد شگرف نهضت جهان پرولتاری است. در این دوران تشکیل کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی و کنگره هشتم حزب کمونیست چین را باید به مثابه دو واقعه‌ای که تاثیر عظیمی در رشد این نهضت و به طور کلی رشد نهضت دمکراتیک جهانی داشته و دارد ذکر نمود.

کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی مراعات اکید موازین لنینیستی رهبری حزب و دولت و اصل همکاری جمعی مبارزه با کیش شخص پرستی را تصریح نمود. مسائلی مانند اشکال متعدد سیر از سرمایه‌داری به سوسیالیسم و امکان سیر مسالمت‌آمیز به سوسیالیسم در شرایط معین تاریخی و این که جنگ ناگزیری تقدیر آمیز خود را در دوران ما از دست داده است از مسائل ثنوریک مهمی است که در کنگره بیستم طرح و حل شده است. . . .

سخنی چند درباره ایران

پس از جنگ دوم جهانی و به ویژه پس از پیروزی انقلاب خلق ششصد ملیونی چین امپریالیست‌های آمریکا و انگلیس بازارها و منابع طبیعی و انسانی بزرگی را در اروپای شرقی و آسیا از دست داده‌اند.

از طرفی تنگ‌تر شدن میدان عمل امپریالیست‌ها باعث شد تضاد مابین آن‌ها بر سر غارت هر چه بیشتر کشورهای باقی‌مانده بر سر گرفتن ابتکار در این کشورها و بر سر بیرون کردن رقیب یا دیگر از این کشورها عمیق و عمیق‌تر گردد و از طرف دیگر افزایش فشار امپریالیست‌ها در این کشورها واکنش شدیدی را پراکنیخت. این عامل همراه رشد آگاهی همگانی ملت‌ها موجب شد که مبارزه ضد امپریالیستی در این کشورها قشرهای وسیع‌تری را دربرگیرد.

قوت گرفتن جنبش نجات‌بخش ملی در کشور ما در سال‌های ۱۳۲۹-۱۳۳۲ که در مبارزه برای ملی‌کردن صنایع نفت سراسری کشور تجلی نمود معلول همین تغییراتی است که در تناسب قوا در صحنه داخلی و بین‌المللی روی داده است.

صفت مشخصه این دوران سطر جنبش ضد امپریالیستی به قشرهای وسیع از بورژوازی ملی و خرده‌بورژوازی شهر است که به ویژه در مبارزه برای ملی‌کردن نفت نقش مهمی داشته‌اند. این دوران دورانی است پر از حوادث مهم مانند تصویب قانون ملی‌شدن صنایع نفت، روی کار آمدن حکومت دکترومصدق، خلع بد شرکت سابق نفت ایران و انگلیس، قطع رابطه با انگلستان و اخراج کارکنان انگلیسی از ایران، اجرای قانون ملی‌شدن نفت، قیام مردم در سی‌تیر برای درهم‌شکستن کودتای قوام، فرارندم عظیم دومیلیونی، کودتای ۲۵ مرداد و فرار شاه. ما درباره ارزیابی برخی از این حوادث در قطع نامه‌های خود فرمولندی‌هایی برای قضاوت رفقا به دست داده‌ایم و لذا از بسط کلام در اینجا خودداری می‌ورزیم.

در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ یا مداخله مستقیم امپریالیست‌های آمریکا و انگلیس ارتجاعی‌ترین جناح هیئت حاکمه کودتا کرد که در نتیجه آن دولت دکترومصدق سقوط نمود و دولت زاهدی به خلق ما تحمیل گردید.

کودتای ۲۸ مرداد سیاه‌ترین جناح هیئت حاکمه را بر کشور ما مسلط ساخت. علی‌رغم اراده خلق ما به کلیه پیروزی‌هایی که در طی چند سال مبارزه نصیب میهن ما شده بود قلم بطلان کشید.

هدف کودتای ۲۸ مرداد سرکوب جنبش نجات‌بخش خلق ما و در درجه اول تارومار کردن حزب توده ایران و لغو عملی قانون ملی‌کردن نفت و قانون ۹ ماده‌ای نفت و تأمین تسلط مجدد انحصارهای امپریالیستی بر روی منابع نفتی کشور ما و تسلط کامل اقتصادی بر ایران و الحاق ایران به زنجیر پیمان‌های مهاجمی امپریالیستی و تبدیل ایران به پایگاه تجاوز علیه اتحاد شوروی و کشورهای دمکراسی توده‌ای بوده است.

رژیم کودتا هزاران تن از مبارزان ضد استعمار را بفرندانها و شکنجه‌گاهها و تبعیدگاهها روانه ساخته دهها تن را تیرباران نمود. به کوچک‌ترین مقاومت و اعتراض با حبس و شکنجه و تیرباران پاسخ داد.

در ۲۹ اسفندماه ۱۳۲۹ مجلس ایران تحت فشار جنبش‌رهای بخش خلق ما قانون ملی شدن نفت سراسری کشور را تصویب نمود. امتیاز شرکت نفت ایران و انگلیس لغو و تمام امور اکتشافات و استخراج و تصفیه و غیره به شرکت دولتی به نام "شرکت ملی نفت ایران" واگذار شد.

پنجاه سال شرکت سابق نفت ایران و انگلیس از منابع نفتی ناحیه بزرگی از جنوب ایران بهره برداری نمود. سودخالص این شرکت در این مدت بالغ بر یک میلیارد لیتره بوده است. از این مبلغ فقط ۱۱۰ میلیون لیتره در تمام مدت ۵۰ سال عاید ایران شده است.

دولت کودتا موازی با کشتار دسته‌جمعی و حبس و شکنجه میهن‌پرستان به استقرار مجدد روابط سیاسی با انگلستان و تسلیم بلاشرط به امیال انحصارهای نفتی دست زد.

امپریالیست‌ها پس از مبارزه طولانی بر سر تصاحب منابع نفتی ایران با هم از در سازه درآمدند. منابع نفت مورد امتیاز شرکت سابق نفت انگلیس و ایران را بین خود تقسیم کردند. کنسرسیوم بین‌المللی نفت را از پنج شرکت بزرگ آمریکا وابسته به گروه‌های راکفلر - مورگان - ملون و شرکت نفت ایران و انگلیس و شرکت "رویال دوچ" و کمپانی "فرانس دوپترول" در لندن تشکیل دادند. کنسرسیوم بین‌المللی مزبور سهام شرکت سابق نفت ایران و انگلیس را به نسبت ۴۰٪ به شرکت‌های آمریکائی و ۴۰٪ به شرکت سابق نفت ایران و انگلیس و ۱۴٪ به شرکت "رویال دوچ" و ۴٪ به کمپانی "فرانس دوپترول" بین خود تقسیم کردند.

شرکت سابق نفت ایران و انگلیس بابت قیمت ۶۰٪ از سهام سابق خود ۶۰۰ میلیون دلار به عنوان سرفضلی دریافت نمود. مبلغ مزبور طبق سازش قبلی بین شرکت‌های عضو کنسرسیوم از طریق ارزان فروختن نفت ایران به شرکت نفت ایران و انگلیس تامین می‌شود. به این ترتیب شرکت‌های بزرگ نفتی آمریکا و هلند و فرانسه بدون هیچ سرمایه‌گذاری صاحب سهامی در نفت ما می‌گردند. قرارداد به اصطلاح "فروش نفت" با ایران در نوع خود از لحاظ گستاخی در غارت‌گری بی‌نظیر است.

به شرکت سابق نفت ایران و انگلیس پس از نیم قرن غارت منابع نفتی ما ۷۰ میلیون لیتره بابت استهلاک بهای تاسیسات نفتی خوزستان و ۱۰ میلیون لیتره بابت استهلاک بهای پالایشگاه کرمانشاه پرداخت شد و درازا آن به طوری که رئیس هیئت نمایندگان کنسرسیوم در روزهای انعقاد قرارداد گفته است پلاکی بر روی ماشین‌های موانع نفت ایران نصب می‌شود حاکی از این که این اموال متعلق به ایران است.

به شرکت سابق نفت ایران و انگلیس ۷۶ میلیون لیره بابت خساراتی که گویا به این شرکت در نتیجه تعطیل موانع نفت در ایران وارد گردید پرداخت می‌شود. نمایندگان انگلستان در وصول غرامت مزبور لجاج خاصی از خود نشان دادند و بارها تاکید نمودند که وصول این مبلغ از لحاظ "حفظ حیثیت" امپراطوری انگلستان است تا کشورهای دیگر صاحب نفت از سرنوشت ایران عبرت گرفته و در هیچ موردی جسارت نوزند که به ملی کردن منابع نفت خود اقدام نمایند.

حوزه امتیاز نفت در قرارداد سابق ۱۶۹۰۰۰ کیلومتر مربع بود ولی در قرارداد جدید حوزه عملیات کنسرسیوم به ۳۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع بالغ می‌گردد.

اکنون سه سال از امضاء قرارداد به اصطلاح فروش نفت می‌گذرد. در این مدت بر طبق ارقامی که ناصر وزیرداری دکنراقبال در هشتم خرداد ۱۳۳۶ به مجلس سنا تسلیم داشته است تنها صد میلیون لیره از عایدات نفت از کنسرسیوم به ایران پرداخت شده است و بخش معتناهی از این مبلغ صرف مخارجی شده است که طبق قرارداد با کنسرسیوم برعهده شرکت ملی نفت ایران گذارده شده است.

پس از استقرار سلطه کنسرسیوم وضع کارگران و کارمندان ایرانی در صنایع نفت جنوب بیش از پیش به وخامت گرائید. از زمانی که کنسرسیوم در صنایع نفت جنوب شروع به فعالیت نمود تاکنون بیش از ۳۰۰۰۰ کارگر ایرانی بیکار شده و در بی جستجوی کار مجبور به مهاجرت از ایران گردیده‌اند.

دولت زاهدی صنایع نفت ایران را با شرایط بدتر از پیش دوباره به انحصارهای خارجی تسلیم داشت و دولت علاء علی‌رغم منویات مردم ایران که طرفدار سیاست صلح و همزیستی و عدم شرکت در بلوک‌ها و پیمان‌های تجاوزکارانه است و سال‌ها در این جهت می‌ارزده کرده است، الحاق ایران را به قرارداد تهاجمی بغداد عملی نمود.

چه منافع مشترکی میهن ما با امپریالیست‌های انگلستان و آمریکا که صدها میلیون نفوس بشری از آن جمله بیست میلیون ساکنین میهن ما را غارت می‌کنند می‌تواند داشته باشد؟

حلقه‌ای که ایران و ترکیه و عراق و پاکستان را در زیر حمایت امپریالیست‌های آمریکا و انگلیس به هم زنجیر می‌کند منافع مشترک ملل این کشورها نیست. شرکت این کشورها در این پیمان واحد از آن جهت است که هیئت حاکمه آن‌ها که موقعیت خود را متزلزل می‌بینند در این بلوک‌های جنگی پناهگاه‌هایی برای حفظ خویش یافته‌اند تا هم موقعیت متزلزل خود را به کمک امپریالیسم آمریکا و انگلیس تحکیم نمایند و هم منافع اربابان جنگ طلب را در صحنه سیاست جهانی تامین کنند.

کشورما با الحاق به قرارداد بغداد دوستی بسیاری از کشورها را از دست داده است. مطبوعات هندوستان - مصر - سوریه و اندونزی همواره سیاست دولت ایران را مورد انتقاد قرار داده و به حق می‌نویسند که دولت ایران با الحاق به پیمان بغداد اعلامیه باندونگ را که خودیکی از امضاء کنندگان آن است نقض کرده است.

با الحاق به قرارداد بغداد زمام‌داران ایرانی علنا عملی خصمانه علیه اتحاد جماهیر شوروی همسایه بزرگ و دوست خلق ما که از آغاز تاسیس خود پیوسته از آزادی و استقلال کشورما دفاع نموده است مرتکب شده‌اند.

تهاجم‌نویین کشورهای امپریالیستی در ایران با تصرف دوباره منابع نفتی و کشاندن آن به بلوک تهاجمی بغداد خاتمه نمی‌پذیرد. زمام‌داران ایران قبل از حل به اصطلاح "مسئله نفت" یکی از دلایل ناگزیری حل فوری آن را خالی بودن خزانه و ورشکستگی اقتصادی ایران عنوان می‌کردند و مدعی بودند که گویا پس از حل به اصطلاح "مسئله نفت" سیل لیره و دلار به کشور ایران جاری شده و ایران خواهد توانست از رکود اقتصادی نجات یافته و دست به یک سلسله اقدامات عمرانی زند ولی زندگی بوج بودن این مواعید را ثابت نمود. حسین علاء نخست‌وزیر پیشین در ضمن مصاحبه مطبوعاتی خود یا مخبردیلی تلگراف عملا این واقعیت را با اعلام این که چیزی از نفت عاید ما نشد و خزانه کشور خالی است تایید کرده است.

پس از کودتای شوم ۲۸ مرداد کشورما ۱۵۰ میلیون دلار از دولت آمریکا و ۷۵ میلیون دلار از بانک بین‌المللی توسعه و ترمیم و ۱۷ میلیون دلار از صندوق بین‌المللی پول قرض کرده است. سود قرضه‌های مزبور از ۳/۵٪ تا ۵٪ است. علاوه بر این ده میلیون لیره از انگلستان یا سود ۴٪ استقراض شده است. این قرضه وسیله‌ای است برای محکم کردن زنجیر اسارت اقتصادی بردست و پای ملت ایران - برای اجرای نقشه‌های تدارک نظامی به سود امپریالیسم، برای آب کردن یخچال‌های آمریکایی - برای پرکردن جیب غارت‌گران داخلی کشور. دزدیک کلمه قرضه‌ایست اسارت‌بار. بدین ترتیب کشوری که چهارینجم اهالی‌ش بیسوادند برای هر ۱۸ هزار نفر در تهران و هر ۸۵ هزار نفر در ولایات تنها یک پزشک وجود دارد. ۵۰ درصد کودکان آن قبل از سن هفت‌سالگی می‌میرند، زندگی متوسط اهالی به طور تقریب از ۳۷ سال متجاوز نیست، هزینه زندگی‌ش طی ۱۸ سال اخیر تقریباً ۱۳ برابر شده است و قسمت اعظم اهالی‌ش گرسنه و برهنه و در دربدری بسر می‌برند، ساکنین آن باید از بام ناشام در زیر آفتاب سوزان جان‌بکنند و خون و گوشت و پوست خود را به ده‌ها و صدها میلیون دلار و لیره تبدیل نموده و به انبان تاراج‌گران آمریکائی و انگلیسی ازبایت اصل و فرع سنگین قرض‌های اسارت‌بار خود بریزند.

با وجود قرضه‌های هنگفت و بستن مالیات‌های غیرمستقیم جدید به کالاهای
پرمصرف دولت‌های کودتا تاکنون نتوانسته‌اند تعادل بودجه کشور را تأمین
کنند. در سال ۱۳۳۵ بودجه کشور چهارمیلیارد ریال کسر داشت. در سال جاری
شش میلیارد ریال کسر دارد و محلی برای پرکردن آن نیست.

در سال قبل از کودتا صادرات کشورما ۷۰۰ میلیون بر واردات افزایش
داشت. در عرض سه سال از ۱۳۳۲-۱۳۳۵ واردات ۳۷ میلیارد ریال به
صادرات افزایش یافته است. تجدد، وزیر اقتصاد دولت دکتراقبال اعلام می‌دارد
که برنامه عمل او لغو انحصار تجارت خارجی است و حال آن که تاکنون قانون
انحصار تجارت تا درجه‌ای از صنایع ضعیف داخلی در برابر سیل امتعه ارزان
قیمت خارجی حمایت می‌نمود. با این عمل دولت اقبال دست امپریالیست‌ها
را بیش از پیش برای غارت میهن ما بازمی‌نماید و کشور را به پرتگاه مهیبی سوق
می‌دهد.

سیاست اقتصادی دولت اقبال هم‌اکنون مورد اعتراض شدید صاحبان صنایع
داخلی قرار گرفته است. مثلاً ۲۴ سال است که طبق قانون انحصار تجارت خارجی
ورود چرم به کشور ممنوع بوده است ولی اخیراً با لغو عملی این قانون ورود چرم
و کفش به کشور آزاد شده است. تعطیل و ورشکستگی بیست کارخانه بزرگ چرم
داخلی را تهدید می‌کند.

کارخانه‌های نساجی و بلور و سایر کارخانه‌های داخلی دیگر سرنوشت بهتری
از سرنوشت کارخانه‌های چرم‌سازی ندارند.

امپریالیست‌ها با تمام قوا از بسط صنعت در کشورهای کم‌رشد جلوگیری می-
نمایند. خرابی و ویرانی کشاورزی کشورما به درجه‌ای رسیده است که حتی برای
تأمین ساکنین کشور تکافو نمی‌کند. و برای نان روزانه ما را وامی‌دارند سالیانه
ده‌ها هزار تن گندم از آمریکا وارد کنیم. خواجه‌نوری در بیستم اسفند ۱۳۳۵ در
سنا گفته است: کشورما که به آسانی می‌توانست انبارغله خاورمیانه باشد به
روزی افتاده است که مجبور است از آمریکا گندم - روغن و تخم مرغ وارد نماید.
قسمت اعظم اهالی کشورغذای سیر نمی‌خورند. کار به جایی رسیده است که
اهالی بعضی نواحی علف بخورند.

این منظره بسیار ناقص از وضعی است که دولت‌های کودتا و امپریالیست‌های
آمریکائی و انگلیسی در کشورما بوجود آورده‌اند. با وجود این نمایندگان طبقات
حاکمه باکی ندارند که هر روز حزب ما را که تاکنون بارها تلاشش را اعلام
داشته‌اند به باد ناسزا بگیرند که گویا اوست که ایران را به چنین جهنمی تبدیل
کرده است.

مردم نه به عوام فریبی‌ها و نه به ناسزاگوئی‌ها و نه به وعده‌های دروغ آن‌ها
باور نخواهند داشت و راه خود را که همان راه حزب توده ایران است خواهند
یافت.

سیر حزب ما بین دو پلنوم کمیته مرکزی

هشت سال ونیم از سومین پلنوم کمیته مرکزی حزب ما می گذرد. در این دوران بسیار طولانی نه کنگره و نه کنفرانس و نه پلنوم کمیته مرکزی تشکیل نگردید. بدیهی است عدم تشکیل کنگره - کنفرانس و پلنوم کمیته مرکزی در مدتی طولانی نقض آشکار اصل مسلم دموکراسی حزبی است. بدون تردید عامل عمده بحران کنونی حزب ما در این نقض اصول است.

با وجود مساعد نبودن شرایط رهبری حزب حق نداشت از امکانات موجود حداکثر استفاده را ننماید. باید اذعان نمود که چه در ایران و چه در مهاجرت امکاناتی برای استفاده از نظریات توده حزبی و تأمین دموکراسی حزبی وجود داشت. کمیته مرکزی از خود به مناسبت این نقض اصولی انتقاد می کند.

ناخت و تاز ارتجاع متعاقب حادثه ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ به سیر و رشد طبیعی حزب ما ضربه زد. حزب ما مجبور شد از فعالیت علنی به مخفی رود و در شرایطی به مراتب دشوارتر از پیش به فعالیت خود ادامه دهد.

شرایط ترور پس از حادثه ۱۵ بهمن و تعقیب و دستگیری عده نسبتاً قابل ملاحظه‌ای از اعضاء هیئت اجراییه کمیته مرکزی و پیش از چندی مهاجرت چند تن از دستگاه رهبری، رهبری حزب را ضعیف نمود. گرچه خروج رفقا از زندان وضع موجود را تا درجه‌ای اصلاح کرد ولی جمع نبودن همه اعضاء رهبری در یک محل - بروز اختلاف شدید در ایران و به درجه ضعیف - تری در مهاجرت و خروج بعدی سه نفر دیگر از اعضاء هیئت اجراییه و عدم مراجعت آنان رهبری حزب ما را که از آغاز تاسیس خود به مناسبت کمی آشنایی با محیط اجتماعی کشور و کم تجربگی و سطح نازل شوریک ضعیف بود به مراتب ضعیف تر ساخت.

اعضاء کمیته مرکزی در مهاجرت که در ابتدا متفرق بودند پس از چندی به استثنای دوسه نفر در یک محل متمرکز شده و جلساتی به نام جلسات برخی از اعضاء کمیته مرکزی مقیم خارج تشکیل دادند. فعالیت این جزء از دستگاه رهبری به سرپرستی اعضاء حزب در مهاجرت و برقراری ارتباط با احزاب برادر و سعی در ایجاد رابطه مستقیم با ایران محدود بوده است.

واضح است که رفقای کمیته مرکزی مقیم خارج وزنه سنگینی از رهبری حزب بوده‌اند. امکان مطالعه و صرف وقت و دقت بیشتری در تحلیل تحولاتی که در کشور صورت می گرفت داشته‌اند ولی متأسفانه این وظیفه تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به شکل بسیار ناقص و سپس جز در موارد محدودی به درستی انجام نیافته است.

تقسیم دستگاه رهبری به دو جزء و فقدان ارتباط منظم مابین آن‌ها هنگامی که رشد بی سابقه نهضت تحول سریع حوادث، رهبری آزموده و مجرب رامی طلبید رهبری حزب را کم و کیفاً ضعیف ساخت.

از شهریور ۱۳۲۸ تا آذر ۱۳۲۹ اداره عملی حزب بایک هیئت موقت پنج نفری مرکب از بهرامی - شرمینی - قریشی و رفقا فروتن و منقی بوده است. هشت نفر از اعضاء کمیته مرکزی رفقا قاسمی - نوشین - کیانوری - جودت - حکیمی - بقراطی - علوی و نیز یزدی زندانی بودند، ولی به استثنای دوران تبعید ارتباط منظمی با هیئت موقت پنج نفری داشته و تصمیمات و نظریات خود را به این هیئت اطلاع می داده اند.

طولی نکشید که آثار تقسیم و تضعیف رهبری ظاهر گردید. دستگاه رهبری از لحاظ حل به موقع اختلافاتی که بین اعضاء رهبری روی می داد ناتوان بود. رهبری نتوانست به موقع اختلافاتی را که پیش می آید حل و بحث نموده به بحث ها فوراً خاتمه دهد. این وضع وحدتی را که در جریان مبارزه با انشعاب و به ویژه پس از کنگره دوم حزب در دستگاه رهبری بوجود آمده بود به هم زد. در نتیجه اختلافات در دستگاه رهبری مابین هیئت موقت پنج نفری و مابین رفقای زندانی نمود نمود.

اعضاء کمیته مرکزی از زندان خارج شدند هیئت موقت پنج نفری منحل گردید و هیئت اجرائیه هشت نفری مرکب از رفقا جودت - کیانوری - قاسمی - بقراطی - فروتن - علوی و نیز بهرامی و یزدی رهبری و اداره حزب را در دست گرفتند. هیئت اجرائیه هشت نفری مزبور نتوانست به اختلافاتی که در خارج و داخل زندان بروز کرده بود خاتمه بخشد و در داخل خود وی اختلافات تازه ای پدید شد.

به تدریج اختلاف بین هیئت اجرائیه و شرمینی که در راس سازمان جوانان قراردادش آشکار شد. مضمون این اختلاف را عدم اطاعت از دستورهای حزبی و روش استقلال طلبانه برخی از رهبران سازمان جوانان و چپ روی های پی در پی آنان که منجر به برکناری شرمینی می شود تشکیل می داد. برکناری شرمینی و برکناری رفیق منقی اختلاف با سازمان جوانان را حل نکرد. شرمینی با وجود تسلیم ظاهری به تصمیم هیئت اجرائیه کماکان به دخالت ها و تحریکات خود در سازمان جوانان ادامه داد.

هیئت اجرائیه کمیته مرکزی در تهران از مشکلات کار خود رفقای کمیته مرکزی مقیم خارج را مطلع نمی ساخت. رفقای کمیته مرکزی مقیم خارج تنها به طور غیرمستقیم از اختلاف بین حزب و برخی از مسئولین سازمان جوانان اطلاعاتی کسب کردند. رفیق رادمش با رفقا روستا و طبری، سودمندی دعوت عده ای از رفقا را از ایران در جشن سالیانه جمهوری چین و حل اختلافات موجوده در میان گذاشت. سپس به ابتکار خود به هیئت اجرائیه پیغام داد شرمینی و رفیق بقراطی و به اختیار خود رفیق کیانوری یا رفیق قاسمی راه عنوان شرکت در جشن تاسیس جمهوری چین موقتاً به خارج اعزام دارند. رفقای هیئت اجرائیه با تغییراتی با این پیشنهاد موافقت کردند. سه نفر رفقا قاسمی و فروتن و بقراطی

را به عنوان نماینده در جشن انقلاب چین انتخاب و به خارج اعزام می‌دارند. درباره شرمینی تصمیم گرفته شد که به عنوان تحصیل به خارج مسافرت نماید باید دانست که با مسافرت رفیق فروتن برای معالجه از پیش موافقت شده بود. خروج رفقا از ایران مصادف با تشکیل نوزدهمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی گردید. مسافرت به چین صورت نگرفت. سه نفر رفقای تازه وارد در ترکیب هیئت نمایندگی حزب ما در نوزدهمین کنگره حزب کمونیست شوروی شرکت کردند.

شرمینی به مسافرت نیامد. درباره علل این عدم مسافرت نامه‌ای وجود دارد که آن را نتیجه پیغام مهندس علوی از جانب عده‌ای از اعضاء هیئت اجراییه می‌داند. برخی از رفقای کمیته مرکزی این توضیح شرمینی را نادرست می‌شمارند و این مسئله از مسائل مورد اختلاف در کمیته مرکزی است.

مسافرت رفقای سه‌گانه و عدم مراجعت این رفقا و نیامدن شرمینی به مسافرت نه تنها به حل اختلاف کمکی نکرد به عکس خود منشاء بروز اختلافات تازه‌ای گردید. بعلاوه عدم بازگشت رفقای سه‌گانه به ایران از طرفی رهبری را در ایران ضعیف‌تر ساخت و از طرف دیگر بعضی اختلافات تهران را به خارج منتقل نمود.

پس از مسافرت رفقای سه‌گانه اختلاف در بین بهرامی و یزدی و مهندس علوی و رفیق جودت و رفیق کیانوری از طرفی دیگر شدیدتر شد. از این موقع است که اختلاف از حدود هیئت اجراییه به کادرهای درجه اول حزب سرایت می‌کند. در چنین اوضاع و احوالی است که کودتای ۲۸ مرداد واقع می‌شود و... پس از چندی جزوه ۲۸ مرداد و نشریه ۴۴ مسائل حزبی منتشر می‌شود. از این موقع اختلاف از هیئت اجراییه و کادرهای درجه اول حزبی به تمام بدنه حزب - تمام سازمان‌ها و اعضاء ساده حزب سرایت می‌کند. کشف سازمان افسری ضایعه غیرقابل جبرانی برای حزب ما بود. کشف سازمان افسری حزب را از امکاناتی که سازمان‌های حزبی را از تجاوز و دستبرد دشمن محافظت می‌نمود محروم ساخت و خود منبع بروز یک رشته اختلافات تازه‌ای در حزب گردید.

دستگیری سریع شماره نسبتاً مهمی از کادرها محیط تردید و سوءظن شدیدی را در حزب حکم فرما نمود. شکنجه‌های وحشیانه در زندان‌ها و کشتارهای دسته جمعی عده‌ای از افسران توده‌ای وحشت و پانیک بی‌سابقه‌ای را در حزب بوجود آورد. ارتداد حتی دامن کادرهایی را که در آغاز به مثابه نمونه‌های برجسته‌ای از مقاومت و فداکاری به‌شمار می‌رفتند گرفت. هیچگاه در حزب ما ارتداد با چنین قوت و وسعتی تظاهر نکرده بود. صفحات تاریخ حزب ما پر از فداکاری‌ها و قهرمانی‌هایی است که هرگز تاریخ مبارزات خلق ما آن‌ها را از نظر دور نخواهد داشت.

حتی در دوران شکست و ترور بی سابقه رژیم کودتا، ما شاهد نمونه‌های درخشانی هستیم که حزب ما و خلق ما بدان‌ها با نظر تکریم و احترام می‌نگرد. کارگرانی مانند وارطان سالاخانیان، افسرانی مانند سیامک و مبشری و وکیل‌ی و محقق زاده و بهزاد و روشنفکرانی نظیر زاخاریان و کوچک شوشتری شربت‌شهادت نوشیدند و در مقابل دشمن زانو نزدند. صدها تن از بهترین افراد ساده و کادر-های حزب ما هم اکنون چه در زندان‌ها و خارج از زندان در شرایطی بس دشوار به مبارزات قهرمانانه خود ادامه می‌دهند...

ارتجاع و امپریالیسم که به ماهیت انقلابی حزب ما و پایه اجتماعی افکار ما کاملاً واقف است به تجربه دریافته است که با زور نمی‌توان جنبش توده‌ای ما را که دارای ریشه‌های عمیق در اجتماع هست از بین برد، از این جهت است که از راه مبارزه ایده‌ئولوژیک به سراغ ما آمده است. انتشار مجله «عبرت و گناه» سیاه و کتاب سیرکمونیسیم در ایران به همین منظور است.

اکنون ارتجاع دستیاران ورزیده‌تر از پیش در اختیار دارد یعنی کسانی که برای سفسطه و مغلطه در برابر توده‌ها آمادگی دارند ولی با وجودی که دشمن هم اکنون به موفقیت‌هایی نائل شده و افکار جمعی را علیه حزب ما مشوب ساخته است پریهادادن به این موفقیت‌ها بدون تردید خطا است.

ما باید با تمام قوا و با تمام امکاناتی که داریم و امکاناتی که در آینده در اختیار خواهیم داشت حمله جدید ارتجاع و امپریالیسم را عقیم گذاریم.

مادامی که در ایران در شرایط کنونی امکان انتشار مجله «تئوریک برای اجراء یک مبارزه» ایده‌ئولوژیک به سود اندیشه حزب و علیه هجوم ایده‌ئولوژیک ارتداد و ارتجاع وجود ندارد نخستین وظیفه ما در مهاجرت انتشار یک مجله «تئوریک خواهد بود. تنها با یک مبارزه» ایده‌ئولوژیک صحیح می‌توان به سفسطه‌ها و مغلطه‌های دشمن پاسخ داد. ولی با انتشار مجله «تئوریک و وظیفه» ما پایان نمی‌یابد. تقویت و توسعه سازمان حزبی در ایران جواب به کسانی است که هر روز انحلال حزب توده ایران را اعلام می‌دارند. حلقه اساسی موفقیت ما در تقویت واقعی و همه‌جانبه سازمان حزبی در ایران مراجعت عده زیادی از کادرها و افراد کمیته مرکزی به ایران است. همه می‌دانیم که حزب ما در نتیجه تلفات سال‌های اخیر خود شماره زیادی از کادرهای خود را از دست داده است. باید جاهای آن‌ها را پر کرد.

بدیهی است که روش مناسب به کلیه کسانی که راه خلق را رها کرده‌اند نمی‌تواند یکسان باشد. نسبت به هر یک از آن‌ها باید روش جداگانه‌ای داشت. عده‌ای از آن‌ها راه بازگشت خود را سد کرده‌اند ما با چنین افرادی مبارزه خواهیم نمود، ولی نسبت به دیگران باید روش نرم و اقناع را در پیش گرفت. یا تحلیل علمی و عمل روزانه خود آن‌ها را به راه خلق عودت داد...